

صوت‌های ملکوتی و خاطره‌انگیز

به‌مناسبت سالروز درگذشت استاد عبدالباسط، سراغ قاریان خارجی رفتیم که روزگاری با صوت و لحن‌شان خاطرات فراوانی داشتیم



نسل‌های قبل در تمام سال به‌خصوص ماه مبارک رمضان پای برنامه‌های قرآنی تلویزیون و تلاوت‌های مجلسی رادیو می‌نشستند تا تلاوت امثال عبدالباسط و غلوش را گوش کنند و اگر فرصتی سر صف مدرسه یا جلسه قرآن خانوادگی پیش آمد، بتوانند به‌روش بزرگان قرآن را تلاوت کنند. برای آن نسل‌ها در روزهای خاطره‌انگیز دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، توجه به تلاوت استادان فقط محدود به تلویزیون و رادیو نمی‌شد و با همان امکانات محدود با کاست‌هایی که خیلی وقت‌ها گیر می‌کرد با کلام خدا از طریق صوت و لحن قاریان ممتاز ارتباط برقرار می‌کردند. در این پرونده به مناسبت سالروز درگذشت یکی از بهترین و خاطره‌انگیزترین قاریان بین‌المللی که در کشورمان هم شناخته شده و محبوب بود یعنی عبدالباسط، یادی کردیم از چند قاری شناخته شده خارجی که در روزگار قدیم با صوت و لحن‌شان عجین بودیم. البته در کشورمان هم قاریان تراز اولی داریم ولی در این پرونده فقط به خارجی‌ها اشاره خواهد شد.

پرونده

عبدالباسط قاری مبلغ اسلام

این قاری برجسته جزو چهار حافظ بزرگ قرآن در مصر به‌شمار می‌رود. عبدالباسط محمد عبدالصمد سلیم داور را به جرئت می‌توان محبوب‌ترین و مشهورترین قاری جهان اسلام در تمام ادوار فعالیت و حتی پس از مرگش دانست. این قاری بزرگ مصری متولد سال ۱۹۲۷ بوده و او را در کنار منشاوی، خلیل حصری و مصطفی اسماعیل به عنوان چهار عضو تأثیرگذار در تلاوت و ترتیل قرآن دوره معاصر می‌شناسند. صوت و لحنی زیبا و دلنشین به همراه نفسی ممتد و بدون وقفه در قرائت، نام او را به سرعت بر سر زبان‌ها



انداخت. عبدالباسط در حالی که ۲۳ سال داشت، در محفلی از یکی از بزرگان اجازه خواست تا قرآن تلاوت کند و به او ۱۰ دقیقه وقت دادند. او چنان شوری در این محفل به پا کرد که تلاوتش حدود یک ساعت و نیم ادامه یافت. در سال ۱۹۵۱ عبدالباسط مجوز تلاوت قرآن کریم در رادیو مصر را به دست آورد و جالب آن که پس از پخش تلاوت‌هایش از رادیو، فروش این وسیله در کشور مصر چند برابر شد. مرحوم عبدالباسط در خاطراتش می‌گوید: «در یکی از سفرها به آمریکا در

لس آنجلس شش نفر پس از شنیدن تلاوت من به تحقیق درباره اسلام پرداختند و مسلمان شدند. دو سفر هم به اوگاندا داشتم که در یکی از سفرها ۷۲ نفر و در دیگری ۲۰ نفر پس از شنیدن صدای من مسلمان شدند. در این سفر خامی که گوینده تلویزیون بود، پس از تلاوت خواست دست من را ببوسد که مانع شدم و از آن‌ها خواستم شرایط را برای حضور وی در سفر حج مهیا کنند. این خانم گوینده، به اسلام گروید و من هم نام آمنه را برای او انتخاب کردم.» از شاهکارهای تلاوت استاد عبدالباسط از آیات ۱۸ تا آخر سوره مبارکه حشر، سوره تکوید و آیه ۲۷ تا آخر سوره فجر یعنی بخش «لوانزلنا هذا القرآن علی جبل...» و سوره حمد است که سال‌ها زینت بخش تیتراژ آغازین برنامه هفتگی در س‌هایی از قرآن حجت‌الاسلام قرائتی است. استاد عبدالباسط در سال ۱۹۸۸ دیده از جهان فرو بست.

شحات محمد انور

قاری به سبک ایرانی



استفاده از بعضی گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی در تلاوت خود، از نکاتی است که باعث شده او در بین قاریان ایرانی محبوب باشد. شحات محمد انور قاری سرشناس و یکی از بهترین قاریان قرآن جهان متولد ۱۹۵۰ میلادی از حافظان قرآن کشور مصر است. او در سنین کودکی پدرش را از دست داد و مادرش به منزل پدر بزرگش نقل مکان کرد. دایی و پدر بزرگ او که از قاریان صاحب‌نام بودند پس از کشف استعداد و علاقه در شحات، او را نزد استادان متبحر تلاوت و ترتیل فرستادند. محمد انور در ۱۵ سالگی با لحنی بسیار زیبا و بی‌نظیر به قرائت قرآن می‌پرداخت. او یکی از تأثیرگذارترین استادان مصری بر قاریان ایرانی است و خیلی از قاریان ایرانی از تلاوت‌ها و سبک و هنر وی در تلاوت قرآن تأثیر پذیرفته‌اند. وی در سال ۷۰ به اصفهان سفر و بخشی از سوره ک‌هف را تلاوت کرد که به «قرات واتا ما اوحی شحات» مشهور شد. انور سرانجام در سال ۲۰۰۸ و در ۵۸ سالگی در روستای زادگاهش درگذشت.

راغب مصطفی غلوش

صاحب‌اذان بی‌همتا



شاید شناخته شده‌ترین قاری مصری برای ایرانیان باشد. راغب مصطفی غلوش متولد سال ۱۹۳۸ در کشور مصر است. او از شاگردان مصطفی اسماعیل بود که با صوت و لحنی متفاوت به قرائت آیات کلام... مجید می‌پرداخت. حرکات سر و استفاده از میکروفن برای ادای حروف، از شاخصه‌های قرائت وی بود. غلوش از سوی بسیاری از کشورهای جهان بارها برای تلاوت آیات قرآن دعوت شد. او چهار بار به ایران سفر کرد و به تلاوت قرآن پرداخت. تلاوت سوره احزاب را غلب مصطفی غلوش ماندگارترین اجرای این استاد در ایران است و طی آن، مقام صبا با ظرافت خاصی اجرا می‌شود. این تلاوت با آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» آغاز می‌شود. سرانجام استاد غلوش در سال ۲۰۱۶ در ۷۷ سالگی در مصر درگذشت. اذانی که وی به سبک شیعیان و برای ایرانیان خوانده است، هنوز در گلدسته‌های مساجد و رادیو و تلویزیون طنین انداز است.

محمد رفعت امیر القراء



از ستارگان پر فروغ علم قرائت و از نوابغ کم‌نظیر تلاوت قرآن کریم در قرن حاضر است که در سال ۱۸۸۲ در قاهره به دنیا آمد. وی حدود شش سالگی به دلیل بیماری شدیدی بینایی خود را از دست داد اما این مانع، جلوی پیشرفتش را نگرفت. وی در ۳۰ سالگی چنان مشهور شد و نامش بر سر زبان‌ها افتاد که مردم عاشقانه در مساجدی که تلاوت داشت، حضور پیدا می‌کردند و به تلاوتش گوش می‌دادند. حتی بارها شده بود که در تلاوتی که قبل از نماز جمعه انجام می‌داد، مردم سه ساعت پای تلاوت اومی نشستند و هیچ‌گاه احساس خستگی نمی‌کردند. در سال ۱۹۳۴ به عنوان اولین قاری در رادیو به تلاوت قرآن پرداخت. این استاد قرآن در بین استادان و قاریان قرآن جایگاهی یافت که به وی لقب امیر القراء عطا کردند. شیخ محمد رفعت در سال ۱۹۵۰ بر اثر بیماری حنجره در روز تولدش درگذشت.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۹ آذر ۱۴۰۰

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۲ • ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱

شماره ۲۰۸۴

۲۰۳۴

درس فداکاری در کلاس آقای کُردی

گفت‌وگو با معلم بروجردی که عکسش از تدریس با کمر شکسته خوابیده جلوی کلاس خبرساز شد

مصطفی میرجانیان | روزنامه‌نگار

وقتی به‌خاطر کرونا دست‌پچه‌ها از مدرسه کوتاه‌شد و خیلی‌هایمان در قرنطینه نشستیم، معلمان، کارشان را تعطیل نکردند و خانه را به کلاس مجازی برای شاگردهایشان تبدیل کردند. یکی یخچال خانه‌اش را تخته‌سیاه کرد و دیگری که به کرونا مبتلا بود روی تخت بیمارستان هم کارش را انجام داد. در این یکی دوسال، روایت‌های زیادی از عشق و ایثار معلمان شنیدیم اما عکس تدریس معلم بروجردی با کمر شکسته و خوابیده کف کلاس، درس ایثار و فداکاری را دوباره یادمان انداخت که تمامی ندارد. به سراغ محمد کردی، معلم دبستان روستای شاهویران بروجرد رفتیم که تصویرش در حالتی که جلوی کلاس دراز کشیده برای همیشه جلوی چشم‌مان است.



روزهای اول مهر از روی دیوار پرت‌شدم

محمد کردی، معلم روستای شاهویران بروجرد بر اثر شکستگی مهره‌های کمرش مجبور به استراحت در رختخواب شده اما عشق و علاقه به تعلیم و تربیت، او را از کلاس درس دور نکرده است. کردی درباره تصویر خبرساز در دستش در حالت خوابیده کف کلاس می‌گوید: «اوایل مهر ماه کلیدم را داخل خانه جا گذاشته بودم و هیچ‌کسی هم آن‌جا نبود. مجبور شدم از دیوار بالا بروم تا بتوانم در خانه را باز کنم اما از بالای دیوار افتادم و مهره‌های کمرم شکست. ۱۰ روز بیمارستان بودم و پزشک گفت باید بین دو تا سه ماه استراحت مطلق باشی. من هم چند روزی استراحت کردم و با درخواست خودم به مدرسه برگشتم. چون دو سال، مدرسه‌ها تعطیل بودند و دیگر طاقت نداشتم که بچه‌هایم را نبینم. به مدرسه رفتم و عکس در دستم در حالی که روی زمین خوابیده بودم همه جایش شد. آن عکس را یکی از همکاران از من گرفت و در گروه فضای مجازی همکاران گذاشت تا همکارانم ببینند و انگیزه بگیرند که بعد از دوسال به مدرسه بیایند و به‌صورت حضوری تدریس کنند اما من می‌دانم چه کسی آن‌را در خبرگزاری‌ها و فضای مجازی پخش کرد.»

از آموزش مجازی راضی نبودم می‌خواستیم حضوری درس بدهم

این معلم بروجردی از علت تصمیمش برای حضور در مدرسه می‌گوید: «من معلم کلاس اول و سوم ابتدایی هستم. می‌بینم که دانش‌آموزانم در این دوسال آموزش مجازی خیلی ضرر کرده‌اند و خیلی از درس‌هایشان را متوجه نمی‌شوند.

بعد از شکستگی مهره‌های کمرم، ما می‌توانستیم

آموزش مجازی را ادامه بدهیم اما خودم از این شرایط راضی نبودم. حتی می‌توانستیم یک معلم دیگر را هماهنگ کنیم که ۲-۳ ماه به جای من در کلاس حاضر شود اما بچه‌های کم سن و سال ابتدایی به معلم‌شان عادت می‌کنند و چندماه بعد که دوباره خودم برگردم، دچار دوگانگی در آموزش و درس‌شان می‌شوند، وقتی تصمیم گرفتم به مدرسه بروم خانواده‌ام راضی نبودند اما همکارانم کمکم کردند.

آن‌ها هر روز دنبالم می‌آیند و من را به صورت دراز کشیده عقب

ماشین می‌گذارند و به مدرسه می‌برند من هم جلوی کلاس همان‌طور خوابیده درسم را می‌دهم. آن اوایل بچه‌ها تعجب می‌کردند که چرا معلم‌مان روی زمین خوابیده است! ولی بعد از مدتی همه به این شرایط عادت کردیم. والدین هم خیلی لطف دارند. وقتی آن عکس منتشر شد خانواده‌ها به مدرسه آمدند و می‌گفتند که لازم نیست به مدرسه بیایی ولی خودم قبول نکردم.»

به جای کمک به من به مدرسه روستای مان کمک کنید

محمد کردی از عشق و علاقه به شغل معلمی می‌گوید: «من ۱۲ سال است که در آموزش و پرورش خدمت می‌کنم. وقتی می‌خواستم در آموزش و پرورش استخدام شوم دو تا پیشنهاد کاری داشتم که یکی شغل معلمی و یکی هم شرکت نفت بود که مطمئناً مزایای خیلی بیشتری داشت ولی من آموزش و پرورش را انتخاب کردم تا شغل خانوادگی‌ام را ادامه بدهم. خانواده‌ما از مادر، پدر، عمو... همگی معلم هستند و من هم بعد از شکسته شدن مهره‌های کمرم برای این که روحیه بگیرم به مدرسه آمدم.» آقای کردی برای مصاحبه با ما یک شرط جالب هم داشت: «بعد از انتشار عکس‌هایم همه جاز من به عنوان یک معلم فداکار یاد کردند اما این فداکاری نیست. این وظیفه من است که سر کلاس حاضر شوم و هوای دانش‌آموزانم را داشته باشم. در این مدت خیلی از همکاران پیشنهاد دادند که به شهر بروم در اداره آموزش و پرورش، کار کارمندی داشته باشم ولی خودم خواستم که وظیفه‌ام را انجام بدهم. ایثار و فداکاری مال من نیست. مال آن کسانی است که در زمان جنگ از زندگی خودشان گذشتند تا ناموس و خاک‌مان به دست غریبه نیفتد. در مصاحبه این را احتما بنویسید و در مطلب‌تان به آن اشاره کنید.» آقای کردی ادامه می‌دهد: «بعد از انتشار عکس‌ها از آموزش و پرورش و همچنین نمایندگان و مسئولان استانی تماس گرفتند و گفتند چه کمکی می‌خواهی که برایت انجام بدهیم؟ مشکل مهره‌های کمرم فقط با استراحت یا عمل برطرف می‌شود. من هم به مسئولان گفتم به جای کمک به من به مدرسه کمک کنید چون بچه‌های روستا هیچ امکانات آموزشی ندارند.»

